

بررسی انگیزش در مدیریت اسلامی از دیدگاه دانشمندان اسلامی

نویسنده: دکتر عبدالله جاسبی

چکیده

اگر انگیزش را آند عامل درونی بدانیم که همچون موتور محرکه‌ای انسان را وادار به حرکت و تلاش در جهت رسیدن به هدف یا اهدافی خاص می‌نماید، ایجاد این انگیزش در انسان موضوع بحث همه علمای مدیریت می‌باشد چراکه توجه به آن در افزایش کارایی و حل مسائل مدیریت نقش اساسی و مهم دارد. مقاله حاضر شکل جامع‌تر و کامل‌تر مقاله‌ای است که تحت عنوان «انگیزش در مدیریت اسلامی» قبلاً در شماره ۳۳ مجله اقتصاد و مدیریت به چاپ رسیده است. در این مقاله ابتدا دیدگاه‌ها و روش‌های علمای مدیریت در غرب مورد بحث قرار گرفته است. این دیدگاه‌ها بیشتر عوامل مادی و روان‌شناسی را بررسی کرده و به عوامل معنوی کمتر توجه نموده است. آنگاه به دیدگاه‌های علمای اسلامی در دو گروه متقدمین و متأخرین پرداخته شده است. در گروه متقدمین به نظرات گنبدی، فارابی، ابن‌سینا، غزالی، ابن‌رشد، صدوالماتلهین و سهروردی و در گروه متأخرین به دیدگاه‌های علامه طباطبایی، شهید مطهری، امام خمینی، علامه جعفری، مکارم شیرازی، مصباح یزدی، جوادی آملی و... پرداخته شده است. وجه مشترک تمامی علمای اسلامی در زمینه انگیزش، توجه بیشتر به عامل معنوی به عنوان یک اصل مهم در ایجاد انگیزه و استفاده از آن برای موفقیت در مدیریت می‌باشد که به اختصار مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. طبقه‌بندی انگیزه‌ها و نتیجه‌گیری بحث‌ها، آخرین مطلبی است که در این مقاله ارائه شده است.

مقدمه

مختلفی مورد بحث علمای اجتماعی، روان‌شناسی و مدیریت بوده است و شروع این بحث در فرهنگ اسلامی به مباحث فلسفی قرون دوم تا یازدهم هجری قمری و دانشمندانی چون گنبدی، فارابی،

شناخت انگیزش کلید اداره دیگران است. با زبان ساده، انگیزش عبارت است از اینکه علت اعمالی را که افراد انجام می‌دهند بشناسیم. موضوع انگیزش از دیرباز تحت عناوین

علمای اسلامی با ترکیبی از عناوین مختلف همچون جان، نفس، روان، وجدان، منش و فطرت مطرح شده است، در این مقدمه به برخی از مفاهیم نفس در قرآن کریم به اختصار اشاره می‌کنیم:

۱- جان یا حیات حیوانی با هرگز پایان می‌پذیرد (سوره آل عمران آیه ۱۴۵، سوره انبیاء آیه ۳۵)^۱

۲- نفس حیوانی - نفس تعالی نیافته که همان نفس اماره است (سوره یوسف، آیه ۵۳)^۲

۳- روان یا نفس انسانی که مجموعه حالات روانی انسان را نشان می‌دهد، دارای خواص ادراکی، افعالی و انفعالی است که بر اساس این سه ویژگی، شخصیت انسان شکل می‌گیرد (سوره انعام آیه ۷۰)^۳

ابن سینا، غزالی، ابن رشد، صدرالمتهلین و سهروردی برمی‌گردد. در این مقاله به اختصار به ذکر همه آنها خواهیم پرداخت. در بین علمای جدید اسلامی، شخصیت‌هایی چون محمدحسین طباطبایی، امام خمینی، محمدتقی جعفری، مرتضی مطهری، ناصر مکارم شیرازی، فواد عبد... و... بحث‌هایی در این زمینه داشته‌اند که مورد بحث و تحلیل قرار خواهد گرفت. در غرب نیز علمای مدیریت همچون مازلو، ماری، اولدرف، هرزبرگ، ماکیلان و... از نویسندگان مبحث انگیزش در نیمه دوم قرن بیستم می‌باشند که فشرده مطالب آنها را ارائه خواهیم داد. از آنجا که بحث انگیزش در زبان فلاسفه و

۱- و ما کان نفس ان تموت الا یاذن الله کتاباً مؤجلاً و من یرد نواب الذنوب تؤتیها و من یرد نواب الاخرة تؤتیها و ستجزی الشاکرین (و نزد کسی واکه بمیرد مگر به اجازه خداوند که اجلی مبین دارد (ارتباطی با جنگ و خانه نشستن ندارد) و کسی که (به عمل خود) پاداش در دنیا خواهد می‌دهیمش از آن کسی که (جزای عمل خود را) پاداش در آخرت خواهد عطا کنیمش از آن و به زودی پاداش دهیم شکر گزاران را)

- کُلُّ نَفْسٍ ذَاتةٌ مَوْتٍ وَ تَبْلُوکُمْ بِالْأَشْرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَ إِلَینَا تُرْجَعُونَ. (بدان هر نفسی در عالم چشنده مرگ است و ما شما را به بد و نیک (سود و زیان، فقر و توانگری، مرض و صحت) بیازماییم و سرانجام به سوی ما باز گردید).

۲- و ما أبرئ نفسی ان النفس لا تجارۃ بالشوء الا ما رحم ربی ان ربی غفور رحیم (و من نفس خویش را از میل به بدی مبری نمی‌دانم زیرا نفس آدمی را همواره به کلهای زشت فرمان می‌دهد مگر آنکه لطف پروردگار او را ننگه دارد به راستی که پروردگارم آمرزنده و مهربان است).

۳- و ذر الذین اتخذوا دینهم لعباً و لهواً و غرتهم الحیوة الدنیا و ذکر به ان یتسل نفس بما کسبت لیس لها من دون الله ولی و لا شفیع این تعدیل کُلِّ عَدْلًا یوحذ منها اولئک الذین اوسلوا بما کسبوا لهم شراب من حمیم و عذاب الیم بما کانوا یتکفرون.

((ای پیغمبر) کسانی که دینشان را به بازیچه و سخریه گرفتند و زندگانی چند روزه دنیا مغرورشان نمود به حال خود واگذارشان (همین قدر) به آنها بگو که هر کس به جزای آنچه انجام داده گرفتار شود هرگز مر او را جز خداوند (در دو عالم) دادرس و شفیع نباشد و اگر (خواهد فدا دهد تا از عذاب آخرت رهایی یابد) هر فدایی که باشد از او پذیرفته نگردد آنان کسانی هستند که به کفر اعمالشان به شرابی از حمیم جهنم و عذاب و شکنجه در دناک به واسطه کفر و انکارشان گرفتار می‌شوند)

و دیدگاه‌های علمای مدیریت و روان‌شناسی غرب مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. مهم‌ترین بحث‌ها در این رابطه توسط افرادی مثل مازلو (Maslow, Abraham)، ماری (Henry H. Murray) آلدر فیر (Alderfer)، هرزبرگ (Herzberg, Fredrick) و ماکیلاند (David C. McClelland) صورت گرفته است. اصل مهم نظریه مازلو بر پایه نیازهای فرد به صورت تسلسل هرمی می‌باشد بدین ترتیب که نیاز فرد بدو از سطح پایین شروع می‌شود و به تدریج بالا می‌رود و از پایین به بالا پنج گروه از نیازها به شرح زیر طبقه‌بندی شده‌اند.^۷

۴- شخصیت شکل یافته و متعادل که به مرتبه‌ای از تکامل رسیده است (سوره بقره آیه ۲۳۳)^۴
۵- وجدان انسانی یا خودآگاهی که همان عامل وجدان شعور و منش انسانی می‌باشد (سوره انبیاء آیه ۳۵ و سوره انفطار آیه ۵)^۵
۶- اصل ثابت انسانی و خودآگاهی که فطرت کمال جو را همراه با جذب خیر یا شر نشان می‌دهد (سوره شمس آیات ۷ و ۸)^۶

مروری فشرده بر دیدگاه علمای مدیریت غرب از انگیزش در کتب مدیریت بر اساس نظرات

۴- وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُرْضِعَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَةٌ بَوْلًا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلًا وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَ الْفِصَالُ مِنْ تَرْضَاعٍ مَتَّعَهُمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تُسْرِعُوا الْوَالِدَاتُ فَلَاحِجٌ عَلَيْكُمْ إِذَا سَأَلْتُم مَاتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ.

(و مادران فرزندان‌شان را تا دو سال کامل شیر می‌دهند برای آنکه می‌خواهد شیر دادن را تمام نماید و به عهده پدر و صاحب فرزند است خوراک و پوشاک ایشان بر حسب متعارف و معمول هیچگاه کسی به بیشتر از توانایی‌اش تکلیف نشود و نباید هرگز مادری به سبب فرزندش اذیت گردد و نیز نه صاحب فرزندی (و پدری) به سبب فرزندش، و بر وارث است (اگر کودک را پدر نبود) مثل آن به متعارف پس اگر اراده از شیر گرفتن را دارند با رضایت و مشورت آن دو و هیچ عیبی نیست بر آن دو و اگر خواسته باشید که فرزندان‌تان را به دایه دهید عیبی ندارد اگر آنچه را که به او می‌پردازید بر حسب متعارف و خوبی دهید و بترسید از نافرمانی خداوند و بدانید که خداوند بر آنچه که می‌کنید بیناست).

۵- كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلَّوْكُمْ بِالْحَيْرِ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْتُمْ تُرْجَعُونَ.
(بدان هر نفسی در عالم چشنده مرگ است و ما شما را به بد و نیک (سود و زیان، فقر و توانگری، مروض و صحت) بیازماییم و سرانجام به سوی ما بازگردید).

- عَلِمْتَ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ. (و هر کسی به آنچه قبل و بعد نموده آگاه شود)

۶- وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا- فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا

(و سوگند به نفس ناطقه و آنکه او را چنین آفرید) - (و به الهام خود به او خیر و شر آموخت)

۷- دکتر عبدالله جاسبی، اصول و مبانی مدیریت، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ ششم، فصل هشتم، صفحات ۲۲۱ تا ۲۲۳.

۱- نیازهای فیزیولوژی (خوردن و آشامیدن، پوشیدن...)

۲- نیازهای تأمینی و امنیتی

۳- نیازهای اجتماعی و گرایش جمعی

۴- احترام و تقدیر متقابل

۵- خودشناسی و تحقیقات شخصی

الذرفیر برای برآوردن نیازهای انسان سه سطح مختلف قائل می‌شود که عبارتند از: تأمین زندگی، روابط اجتماعی و آفرینش یا ابداع.

سطح تأمین زندگی از نیازمندی‌های فرد در ادامه زندگی مثل نیاز به غذا، حقوق و دستمزد و شرایط کار بحث می‌کند. سطح روابط اجتماعی از خواسته‌های فرد در جامعه و روابط با سایر افراد و دوستی‌های بین آنها بحث می‌نماید. سطح آفرینش یا ابداع از نیازمندی‌های افراد جامعه به خلاقیت و ابداع بحث می‌نماید.

این طبقه‌بندی بر خلاف نظر مازلو اظهار می‌دارد که هر گاه فرد در برآوردن نیازهای فردی ناگام گردد، به نیازمندی‌های جمعی روی می‌آورد. هر دو روش معتقدند که هر مدیری باید از روش‌ها و عادات زیردستان خود برای ایجاد انگیزه آگاه باشد.

نظریه ماری بر خلاف نظریه مازلو که محدود به ۵ گروه از نیازمندی‌ها می‌باشد، نیازمندی‌های انسان را بسیار متنوع دانسته و چهارده نوع نیازمندی را ردیف می‌نماید که تمامی ابعاد مادی، روان‌شناسی و اجتماعی را در برمی‌گیرد. اختلاف

دیگر نظریه ماری با مازلو این است که لازمه صعود به یک سطح از نیازمندی‌ها را طی کردن سطح زیرین نمی‌داند بلکه یک فرد می‌تواند همزمان چندین نیازمندی متفاوت و مختلف را دنبال کند.^۸ نظریه هرزبرگ معتقد به دو عامل اساسی در انگیزش است که یکی اشباع‌کننده مدل‌ها و خواسته‌ها و دیگری غیراشباع‌کننده است. عوامل خارجی شامل حقوق، دستمزد، شرایط کار و نظایر آن هر گاه وجود نداشته باشد نارضایی ایجاد می‌کند و فرد را به رکود و مستی می‌کشاند. عوامل داخلی مثل تقدیر، تشویق، انجام کار و نظایر آن در صورت اجرا، انگیزه قوی در فرد به وجود می‌آورد. نظریه هرزبرگ از این جهت که در شرح اشباع کار برای ایجاد رغبت مبالغه کرده است مورد انتقاد قرار گرفته است.

آقای ماکیلاندر در نظریه خود اعلام می‌دارد که فرد ممکن است نیازهای خود را از تعلیم و آموزش به دست آورد و نیازمندی‌های او سه نوع است. اول نیاز به انجام کار، دوم نیاز به پیوستگی به کار و سوم نیاز به قدرت و برتری. او معتقد است که وقتی خواسته‌ها در شخص نیرومند و پرتوان باشد، انگیزه او زیاد خواهد شد و کارایی او افزایش خواهد یافت.

نظریه‌های فوق که به اجمال بیان شد، هر کدام دارای نقاط قوت و ضعف می‌باشد و اکثر ادعاهای صاحب نظریه هنوز مورد آزمایش و اثبات قرار نگرفته است اما تجربه مطالعه علمای مدیریت

۸- قواد عبدا... عمر، چهارمین سمینار مدیریت دولتی از دیدگاه اسلامی، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۷ تا ۲۲ مرداد ۷۱.

۴- ابن‌نصر محمد بن فارابی / معلم ثانی (قرن سوم هجری قمری)^{۱۰}

فازایی قوای نفس را به چهار مجموعه به نام‌های قوه منمیه، قوه محرکه، قوه مدرکه و قوه ناطقه تقسیم می‌کند. قوه محرکه یا شوقیه را موجب انگیزش انسان دانسته و بیان می‌دارد انگیزش قوای است که عوطف آن شوق یا اکراره حاصل می‌شود. این قوه اصلی دارای قوای فرعی است که اراده وابسته به آن است. اراده یعنی اشتیاق به مدرکه و یا تنفر از آن، خواه این اشتیاق ناشی از احساس، تخیل و یا تعقل باشد.

معلم ثانی عقل را به عقل انسانی و عقل فعال (بالتر از عقل انسان) تفکیک نموده و عقل انسانی را به دو عقل عملی (عامل ساخت و ساز) و نظری (عامل تمیز) تقسیم و مراتب عقل نظری را به عقل بالقوه، عقل بالفعل و عقل مستفاد تفکیک می‌نماید.

وی اراده را نیز زاینده عقل فعال می‌داند که به وسیله قوای حس و محرکه نفس ایجاد می‌شود. برای اراده سه مرتبه حسی، تخیلی و عقلی قایل است. اراده نخست عبارت از شوق ناشی از احساسات که شوق خود وابسته به قوه فرجیه نفس و احساس وابسته به قوه مدرکه نفس می‌باشند. بعد از آن قوه تخیل نفس و شوقی که تابع آن است حاصل می‌شود. تا بهین مرتبه اراده دوم از پی اراده اول به دست آید. پس از حصول این دو اراده ممکن

نقاط مشترکی را در همه آنها می‌یابد که می‌تواند در ایجاد انگیزه و رشد انگیزه‌ها نقش مهمی داشته باشد.

مروری بر دیدگاه متقدمین از هلمای اسلامی در مورد انگیزش

۱- ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی (قرن دوم و سوم هجری قمری)

کندی خود درباره نفس نظر مستقلی بیان نکرده است، بلکه از آرای دانشمندان گذشته به خصوص افلاطون و ارسطو الهام گرفته است. بدین ترتیب او نفس را چنین تعریف می‌کند:

«نفس نخستین طلب کمال توسط جسم طبیعی بالقوه دارای حیات است» و درباره ماهیت نفس می‌گوید «نفس بسیط است، الهی و روحانی است، عرض و طول ندارد، نوری از انوار خداوند است»

او معتقد است که نفس علاقه‌مند به جسم است و با آنکه از آن جداست با آن متحد می‌شود و کارهای خود را توسط آن انجام می‌دهد و بعد از فضای جسم نیز باقی می‌ماند.

او قوای نفس را فراوان دانسته و از دو قوم بزرگ به نام قوه حسی و عقلی یاد می‌کند و قوه دیگری به نام قوه متوسطه بین آن دو جای می‌دهد. تشریح بیشتر قوای نفس از نظر کندی را در نمودار واقع در ضمیمه مشاهده می‌کنید.^۹

۹- دکتر سیدجعفر سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، جلد نهم، ص ۵۵.

۱۰- رجوع شود به ضمیمه شماره ۱.

اشتیاق را نیز به همراه داشته باشد. شاخه‌های نیروی شوق، قوه غضب و قوه شهوانی است. به‌طور کلی وهم و خیال، موجب انگیزش قوای باعته است که اگر قصد و تصمیم درستی آن باشد، موجب بروز رفتار خاص هستند. پس از اوج‌های هیجان، قدرت انگیزش از بین می‌رود. این سبب نفس ناطقه یا عقل را به دو عقل عالمه و عامله تقسیم نموده و برای عقل عالمه یا نظری، مراتب چهارگانه‌ای را با عنایت به تفسیر آیه ۲۵ سوره مبارکه نور بیان می‌دارد.

حکیم لفظ وهم را در آثار خود، مکرر به کنار برده و از این قوه در جاهای مختلف یاد کرده و بر وسعت معنی و اهمیت شگرف آن تأکید داشته است. با وجودی که وی وهم را در ردیف سایر قوای مدرکه حیوانی آورده است، ولی در عین حال گفته که بر همه قوا تسلط دارد و قوای دیگر، در واقع در خدمت آن هستند. وی حتی زمانی وهم را به معنای نفس که جامع همه قوای مدرکه و محرکه است مورد استفاده قرار می‌دهد و همچنین گاهی معنای غریزه را از آن افاده می‌کند.

این سینا مبدأ خیال، وهم و عقل را برای جنبش‌های ارادی بر شمرده و اراده را متأثر با شوق می‌داند، مانند اینکه انسان چیزی را که میل بر آن نیست اراده می‌کند و آنچه را که میل بر آن است، دوری می‌جوید، وی سرمنشأ افعال ارادی را نفس

است معارف اولیه توسط عقل فعال در نفس ناطقه وارد شود و نوع سوم اراده حاصل گردد که در این حالت، شوق ناشی از قوه عقل می‌باشد که آن را اختیار گویند و این امر فقط مخصوص انسان است. بدین ترتیب نفس حساسه اراده اول را و نفس متخلفه، اراده دوم را و نفس ناطقه، اراده سوم را باعث می‌شوند و اراده سوم که همان اختیار است موجب سعادت یا بدبختی می‌باشد. تشریح جدول‌گونه نظرات فارابی در ضمیمه آورده شده است.^{۱۱}

۳- شیخ‌الرئیس حسین بن عبدالله بن سینا / ابن سینا (قرن چهارم و پنجم هجری قمری)^{۱۲}

ابن سینا در میان متقدمین، پیشتر از همه به بحث پیرامون نفس و قوای آن پرداخته است. وی نفس را به نفس نباتی، نفس حیوانی و نفس انسانی تفکیک می‌نماید و برای هر کدام قوایی را قایل شده و درباره قوای مدرکه و محرکه و عقل به تفصیل نظریاتی بیان داشته است.

رای حکیم در مورد انگیزه بر این منوال است که تا زمانی که حیوان اشتیاق به چیزی نداشته باشد و به آن اشتیاق نیز آگاه نباشد یا آن شی را وهم نکند، انگیزه‌ای در او ایجاد نمی‌شود. این اشتیاق به قوای مدرکه ارتباط ندارد چون کار این قوا حکم و ادراک است و لازم نیست هر چیزی که ادراک شد،

۱۱- رجوع شود به ضمیمه شماره ۱.

۱۲- شیخ‌الرئیس حسین بن عبدالله بن سینا، روانشناسی شفاء، ترجمه از عربی به فارسی توسط اکبر داناسرشت، انتشارات امیرکبیر،

انسان، دانسته، آن هم با استفاده از عقل و ادراک. تشریح جدول گونه نظریات ابن سینا را در ضمیمه ملاحظه نمایید^{۱۳}.

۴- ابو حامد غزالی / اما محمد غزالی (قرن پنجم هجری قمری)^{۱۴}

امام غزالی نفس را به سه دسته، نفس نباتی، نفس حیوانی و نفس انسانی تقسیم می نماید و برای نفس حیوانی دو قوه محرکه و مدرکه را قایل است. وی شدت و نیرومندی محرک ها را با ترتیب و فرایند ظهور آنها در ارتباط دانسته و لذا معتقد است در مرحله اول میل به تغذیه و سپس تمایلات دیگر ظهور می کند. او تمام نیازها را ناشی از فرایند تغذیه و عواقب آن می داند. همچنین لذت علم و معرفت را در افراد کامل و عاقل، قوی ترین انگیزه قلمداد می کند.

درباره عقل چهار مورد را عنوان می دارد:

- ۱- صفت ممیزه انسان و حیوان
 - ۲- عامل تمیز
 - ۳- حاصل از تجربه امور (مغرب شدن / عاقل شدن)
 - ۴- شناخت عواقب کار
- عقاید غزالی راجع به اراده تحت تأثیر علمای

صوفی و فیلسوفان کلامی بوده است. اراده به مفهوم صوفی را عبارت از سلوک و در نور دیدن طریق الی ... و به مفهوم روانی و اخلاقی، برانگیخته شدن قلب به طرف چیزی که آن را خوب در می یابیم، می داند. اراده را دو نوع بر شمرده، یکی نوع مشترک بین انسان و حیوان، مانند شهوات و تمایلات و نوع دیگر ویژه انسان که ناشی از درک است و محصول برانگیخته شدن شوق انسان پس از احساس ناتوانی و بر اساس درک عقلانی انسان است. وی فشار تمایلات غیریزی را اراده واقعی انسان نمی داند.

غزالی مراحل پیدایش اراده را چنین بر می شمرد:

- ۱- توجه به هدف یا انگیزه
- ۲- عزم و تصمیم
- ۳- تأمل و ارزیابی و تفکر در مطلب
- ۴- اجرا و عمل

تشریح جدول گونه نظریات فارابی را در ضمیمه ملاحظه نمایید^{۱۵}.

۵- ابوالولید محمد بن احمد بن رشد / ابن رشد (قرن ششم هجری قمری)^{۱۶}

در باب انگیزش ابن رشد بیشتر از اراده سخن

۱۳- وجود شود به ضمیمه شماره ۳.

۱۴- ۱- امام محمد غزالی، کیمیای سعادت، تصحیح احمد آرام، کتابفروشی مرکزی، ص ۲۳، ۴۵۲ و ۸۳۰.

۲- دکتر سید ابوالقاسم حسینی، بررسی مقدمات اصول روان شناسی اسلامی، جلد اول، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه

فردوسی، ص ۵۱۴ و ۵۱۸.

۱۵- وجود شود به ضمیمه شماره ۴.

۱۶- دکتر سید جعفر سجادی، فرهنگ و معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان اسلامی، جلد ۱، ص ۸۰.

(بیاخته و فاعله) موجب انگیزش (مطلب نیاز) می‌شوند.

وی برای اراده انسان مراحل را در نفس قایل است، بدین ترتیب که انسان برای رسیدن به هدف و مقصود، ابتدا مراد را تصور می‌کند، سپس فایده‌اش را می‌سنجد، بعد اراده می‌کند و سرانجام، عزم و شوق و تحریک قوا برای کسب مطلوب شکل می‌گیرد. در واقع یک سیر باطنی انجام می‌شود.

۷- شهاب‌الدین سهروردی / شیخ اشراق^{۱۸}

سهروردی به وجود سه عالم معتقد است و درباره هستی سه انسان سخن می‌گوید، که هر کدام از انسان‌ها در واقع مظهر و نماینده یک عالم هستند.

تقسیم‌بندی یاد شده عبارت است از: «انسان عقلایی، انسان نفسانی و انسان جسمانی» که به ترتیب برای آنها مظاهری تحت عنوان حسین، حزن و عشق قایل شده و یا استفاده از داستان حضرت یوسف در قرآن کریم، به چگونگی و سیر سرنوشت حضرت یوسف، حضرت یعقوب و زلیخا پرداخته و به صورتی بسیار زیبا و عارفانه، حکایتی جهت‌دار و پرمعنا را شکل می‌بخشد.

شیخ با نگرشی کل‌گرا و سیستمی و هماهنگ

می‌گوید. وی معتقد است که نیازها در واقع نقایص هستند که ایجاد شوق برای رفع آنها، موجب بروز رفتار است. و نهایت و کمال آن ارضای آنهاست و پس از ارضا دیگر شوقی بر جای نمی‌ماند. اراده ناشی از شوق برانگیزاننده و شهوت برانگیزاننده، منجر به رفتار (حرکت) می‌شود. معنی اراده در حیوان، شهوت برانگیزاننده به سوی رفتار است و معنی اراده در انسان (نفس حیوانی انسان) آن است که موجب از بین رفتن نقایص یا رفع نیازها شود. اراده در این حالت عارضه‌ای است که در ذات آن رفع نیاز وجود دارد و به عبارتی اراده جدا از نیاز نیست و در واقع به رفع نیاز، اراده می‌شود.

۸- صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی / صدرالمتألهین (قرن دهم و یازدهم هجری قمری)^{۱۷}

نظر ملاصدرا بر این است که نفس حیوانی بعد از کسب قوای نباتی به دو قوه تقسیم می‌شود، یکی قوه مدرکه و دیگری قوه محرکه. قوه محرکه به دو گونه است:

۱- قوه باهته یا شوقیه، که انگیزه حرکت است و به دو شاخه شهوانیه و غضبیه تفکیک می‌شود.

۲- قوه فاعله، که فاعل حرکت می‌باشد. خیال یا وهم یا عقل عملی توسط دو قوه محرکه

۱۷- مجیدین ابراهیم صدرالدین شیرازی، الشواهد الربوبیه فی المنافع الباطنیه، ستاد انقلاب فرهنگی، مرکز نشر دانشگاهی، ص

۱۸۸ و ۱۸۹.

۱۸- دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، فلسفه سهروردی، انتشارات حکمت، مجموعه آشنایی با فلسفه اسلامی، صفحات ۶۰۴ تا

می‌گوید: این سه انسان رابطه‌ای تنگاتنگ دارند، مانند رابطه سایه و سایه‌دار. هو واقع آنها مکمل یکدیگرند و عناصر یک مجموعه را تشکیل می‌دهند.

نظری دربارۀ قوای نفس، همچون پشتیبان است و وجود این قوا را وابسته به بدن انسان می‌داند. سهروردی معتقد است که این قوا، سایه‌هایی از قوای برزخی هستند که از جهات و اعتبارات مختلف در انسان عقلی حکایت دارند.

شیخ، لذات جسمانی را ناشی از لذات روحانی می‌داند و چنین بیان می‌دارد که لذات در این عالم به سبب لذات روحانی است و عشق را بالاترین مرحله اشتیاق و انگیزش قلمداد می‌کند. وی اشتیاق و انگیزش را یکسان دانسته است.

سهروردی سلسله مراتب نیازها را رد می‌کند و ظهور نیازهای ثانویه را به این علت می‌داند که نیازهای اولیه بهتر ارضا شوند. به همین سبب همان‌گونه که اشاره شد، لذات جنسی را از آثار لذات روحانی دانسته و معتقد است که انگیزش به نیازهای اولیه بستگی دارد.

دیده‌گاه علمای معاصر اسلامی دربارۀ انگیزش

۱- امام خمینی (ره)^{۱۹}

در زیر، عین مطلب حضرت امام خمینی (ره) در مورد انگیزش رفتار اختیاری به عنوان حسن شروع این بحث نقل می‌گردد:

« هر کار و عمل اختیاری از ما صادر می‌شود پیش از آنکه صادر شود ما آن را به گونه‌ای ولو اجمالاً تصور می‌کنیم و فایده‌های و آنکه آن عمل دارد تصدیق می‌نماییم. اگر آن کار با میل نفسانی و شهوت ما موافق باشد، نفس ما نسبت به آن عمل شوق می‌یابد البته شدت مرتبه شوق با شدت موافق بودن آن کار با میل نفس ما تناسب مستقیم دارد و هر چه موافقت بیشتر باشد اشتیاق نفس به آن کار بیشتر خواهد بود و پس از آنکه شوق در او پیدا شد چه بسا که آن را اختیار می‌کند و می‌گوید و تصمیم می‌گیرد که انجامش دهد و همت بر آن گمارد، پس اعضای را که تحت سلطنت اوست برای انجام دادن آن کار به حرکت در می‌آورد و آن کار را انجام می‌دهد و اگر با میل نفسانی او موافق نباشد اما عقل او تشخیص دهد که انجام دادن آن کار و تحقق یافتنش به صلاح نزدیک تر است علی‌رغم میلش و بر خلاف شهوت نفسانی اش عقل او حکم می‌کند که آن عمل را بپذیرد انجام دهد، پس نفس ملووجود آن کار را اختیار می‌کند، تصمیم بر انجامش می‌گیرد و همت می‌گمارد و اعضای خود را در مورد تحقق آن کار به حرکت در می‌آورد مانند آنکه شربت ناگوار را به منظور درمان درد می‌نوشد و یا دست فاسد شده را در اختیار طبیب جراح می‌گذارد تا آن را قطع کند که در این گونه موارد با آنکه نفس ما کراهت کامل دارد و هیچ رغبت و میل نفسانی به آشامیدن دوا یا بریدن دست ندارد

۱۹- امام خمینی (ره) «طلب و اراده» ترجمه سید احمد فهری، چاپ مؤسسه علمی و فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، سال

ولی با این وصف، این عمل را عقل بر او تحمیل می‌کند.

بنابراین، آنچه در کلمات جمعی از دانشمندان با عنوان اراده عبارت است از همان شوق شدید، یا شوق موکد و از مقدمات تحقق اراده است، درست نیست».

۲- سید محمدحسین طباطبایی

مطالب مربوط به انگیزش از دیدگاه علامه طباطبایی را می‌توان تا حدودی از خلال مطالب کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم ایشان به شرح زیر استخراج کرد.^{۲۰}

الف- ضرورت و امکان

افعالی که از انسان سر می‌زند یا سر نمی‌زند در دو مقوله و امکان طبقه‌بندی می‌گردد. هر واقعیت زمانی ضرورت دارد که وجود یا عدم آن را نتوان از آن سلب کرد و در هر لحظه یا وجود دارد یا ندارد، بدین معنی که وجود آن واجب یا مستتبع است و زمانی فعل ممکن است که نسبت عدم و وجود به آن نسبت مساوی دارد و لذا ممکن است حادث شود و یا نشود.

ب- اراده و اختیار

دو فرض اساسی را می‌توان در خصوص افعال

انسان مورد بررسی قرار داد که روشن شود چرا فعل یا رفتار خاصی از انسان سر می‌زند یا نمی‌زند. اول اینکه این فعل یا رفتار تابع هیچ قاعده و منطقی نیست و تصادفی می‌باشد، دوم اینکه مثل سایر پدیده‌های هستی تابع قانون علت و معلولی است. در مورد فرض نخست هم از نظر تجربی و هم از نظر فلسفی و منطقی می‌توان اثبات نمود که همه پدیده‌ها دارای رابطه ضروری با هم هستند که با حضور جمیع علت‌ها که به آنها «علت تامه» اطلاق می‌شود، آن پدیده حادث یا معدوم می‌گردد و این وضعیت تا زمان حضور علت تامه تداوم دارد. در نتیجه انسان به صرف انسان بودن خود با وجود علت تامه که عبارت باشد از اراده و سایر شرایط مادی، صوری، زمان و مکان به انجام فعل خاصی مبادرت می‌کند یا آن را ترک می‌نماید.^{۲۱}

علامه طباطبایی استدلال می‌کند که بعضی از این علت‌ها به صورت طولی و نه عرضی به عوامل خارج از انسان مرتبط است که «ضرورت بالغیر» نامیده می‌شود. عواملی که به واسطه‌هایی به «ضرورت بالذات» که آن‌هم در نهایت نامتناهی و بسیط و واجب‌الوجود می‌باشد مربوط می‌گردد. لذا ایشان هم انسان را صاحب اختیار می‌دانند و هم بی‌تأثیر امر و نهی، پاداش و کیفر تعلیم و تربیت و دعوت و فداکاری بر رفتار انسان تأکید می‌نمایند و بار د نظر به جبر و تفویض به نظریه امر بین‌المرین می‌رسد.^{۲۲}

۲۰- اصول فلسفه و روش رئالیسم، نگارش علامه سیدمحمدحسین طباطبایی با مقدمه و باورقی شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵، جلد ۲، صفحات ۲۰۷ تا ۲۲۷ و جلد ۳ صفحات ۸۱ تا ۱۹۰.

۲۱- همان مأخذ. ۲۲- همان مأخذ.

این ضرورت در اینجا این است که افطاک انسان به اختیار ضرورت پیدا می کند و این ضرورت منافی با اختیار نیست بلکه مزید بر وجود آن است»^{۲۲}.

ج- امتیاز انسان از حیوان

شهید مطهری در شرح فرایند انگیزش اظهار می دارد: «در هر فعل اختیاری قدر مسلم این است که دو مقدمه ادراکی و یک مقدمه انفعالی و یک مقدمه فعلی وجود دارد. دو مقدمه ادراکی عبارت است از ادراک فعل و ادراک فایده فعل. ادراک فعل عبارت است از تصویر فعل و ادراک فایده فعل عبارت است از تصدیق موافقت اثر نهایی فعل با تمایلات حیاتی فاعل. مقدمه انفعالی عبارت است از هیجان شوقی یا خوفی درونی نسبت به اثر نهایی فعل و مقدمه فعلی عبارت است از عزم و اراده که آخرین مقدمات فعل اختیاری است و به صدور فعل خارجیتی منتهی انجامد البته در انسان به ویژه یک مقدمه و مرحله دیگر قبل از مرحله عزم و اراده هست که همان مقدمه موجب امتیاز مخصوص انسان از حیوان است. آن مرحله عبارت است از مرحله سنجش و مقایسه و محاسبه و تأمل»^{۲۵}.

۳- شهید مرتضی مطهری

مطالبی که توسط استاد شهید مطهری در مورد

استاد شهید مرتضی مطهری در تشریح علت تامل و رفتار انسان به «مجموع غرایز، تمایلات، عواطف، سوابق ذهنی، قوه عقل و سنجش، موازنه و ملاحظه اندیشی و قدرت عزم و اراده» اشاره می کند و می افزاید «هر فعلی که از انسان صادر می شود باید مطلوبی را برای انسان داشته باشد یعنی باید (لااقل) یا یکی از تمایلات و غرایز انسان وفق بندد»^{۲۳}.

اگر در عین موافقت و ارضای برخی از تمایلات از جنبه های دیگری مضاری دربرداشتند یا آنکه در عین موافقت با بعضی از غرایز ذاتی، غرایز عالی تر را ناراضی سازد در این صورت اراده در مقابل تمایلی تحریک شده مقاومت می کند و آن را به عقب می راند و اگر از این لحاظها به موانعی برخوردند یا آنکه آن موانع در مقابل فوایدی که از فعل حاصل می شود کوچک تر باشد، حالت عزم و اراده پیدا می شود و فعل ضرورت وقوع پیدا می کند. در هر دو صورت آن چیزی که به فعل وجود می دهد و ضرورت می بخشد همانا ترجیح و انتخاب و اراده خود انسان است. پس درست است که هر فعلی از افعال انسان اگر محقق شد، طبق ضرورت تحقق پیدا می کند و اگر ترک شد طبق ضرورت ترک می شود ولی آن عقلی که به تحقق آن فعل یا ترک آن فعل ضرورت داده، همان اراده و اختیار خود انسان است نه چیز دیگری و معنای

۲۲- بررسی ایجاد انگیزه از دیدگاه ارزشی اسلام، دفتر بررسی ارزش های حاکم بر نظام اداری، سازمان اداری و استخدامی کشور،

شهریور ۱۳۷۲، ش ۶۸، ص ۱۷.

۲۳- همان منبع.

۲۴- اصول فلسفه و روش رئالیسم، منبع پیشین.

انگیزش منطرح شده است، جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است و منشأ انگیزه‌ها را در خواست‌های نظریه‌ها، غریزی انسان دانسته و معتقد است که انسان دارای دو نوع خواست جسمی و روحی می‌باشد که کاملاً متفاوت است و طیف وسیعی از غریز و خواست‌های مادی مثل گرسنگی و نیازهای جسمی تا امور فطری و روحی مثل برتری طلبی، گرایش به خیر و فضیلت، تمایل به جمال و زیبایی، خلایق و عشق پرستی را شامل می‌گردد. ایشان در این رابطه می‌گویند:

«خواست‌های فطری یا غریزی انسان دو نوع جسمی و روحی است. مقصود از خواست جسمی تقاضایی است که صد در صد وابسته به جسم باشد مثل غریزه گرسنگی یا خوردن، غذا خواستن، میل به غذا به دنبال گرسنگی. این یک امر بسیار مادی و جسمانی است ولی غریزی است یعنی مربوط به ساختمان بدنی انسانی و هر حیوانی است. انسان بعد از اینکه به اصطلاح قدما نیاز به «بیدار شدن» پیدا کرده، غذا هضم شد و احتیاج به غذای جدیدی پیدا شد، یک سلسله ترشحات در معده او پیدا می‌شود. بعد اینها به صورت یک احساس در شعور انسان منعکس می‌شود، ولو انسانی که اصلاً نداند معده دارد مثل بچه. بعد او برای اینکه این احساس خوبش را خاموش کند، شروع به غذا خوردن می‌کند و وقتی غذا خورد، دیگر احساس هم از بین می‌رود، بلکه یک حالت

قهرتی هم پیدا می‌کند و همین طور است. غریزه جنسی و یا خواب، اینها را امور غیر فیزی می‌گویند»^{۲۶}.

ایشان همچنان معتقدند که بین امور روحی و لذات ناشی از آنها با امر جسمی، اختلاف زیادی وجود دارد و در این مورد اظهار می‌دارد: «یک سلسله غریزها یا فطریات در ناحیه خواست‌ها و میل‌هاست که حتی روانشناسی هم اینها را امور روحی می‌نامد و لذات ناشی از اینها را لذت روحی می‌نامد مثل میل به فروند داشتن که این میل غیر از غریزه جنسی است و مربوط به ارضای شهوت است. هر کسی مایل است فرزند داشته باشد و لذتی که انسان از داشتن فرزند می‌برد، یک لذتی است که شبیه این لذت‌ها نیست، یعنی لذت جسمانی نیست و به هیچ عضوی وابسته نمی‌باشد»^{۲۷}.

نکته دیگری که ایشان روی آن خیلی تأکید می‌کنند، ارضای برخی از نیازهای روحی مانند قدرت طلبی است که سیوی ناپذیر می‌باشد و می‌گویند: «هر انسانی اگر در مسیر قدرت طلبی و برتری طلبی و بسط سلطه خود بیفتد، این امر نهایت ندارد. اگر تمام زمین هم تحت قدرت و تسلطش درآید، باز اگر بشنود که در یک کوره دیگر نیز انسان‌هایی هستند و تمدن‌هایی هستند، سلطه‌ای هست، در فکر این است که به آنجا لشکر کشی کند و برود آنها را هم بگیرد»^{۲۸}.

۲۶- شهید مطهری، مجموعه آثار، جلد ۳، صفحه ۴۸۳.

۲۷- همان مأخذ.

۲۸- همان مأخذ.

ایشان در ادامه به برخی دیگر از نیازهای روحی انسان اشاره می‌کند که چگونگی با احساسات انسان در ارتباط مستقیم بوده و همان فرآیند ارضای نیاز را طی می‌نمایند و این نیازها را به صورت زیر طبقه‌بندی می‌کنند:

فطریات احساسی در انسان

۱- **حقیقت‌جویی:** که می‌توان آن را مقوله دانایی یا دریافت واقعیت جهان هم نامید. در انسان چنین گرایش وجود دارد. گرایش به کشف واقعیت‌ها آنچنان‌که هست، درک حقایق اشیاء که در روانشناسی آن را حس حقیقت‌جویی یا کاشوف نامیده‌اند.

۲- **گرایش به خیر و فضیلت:** فضیلت مانند گرایش انسان به راستی از آن جهت که راستی است و در مقابل تنفر از دروغ، گرایش انسان به تقوی و پاکی. این نوع گرایش‌ها که فضیلت است دو نوع می‌باشد: بعضی فردی و بعضی اجتماعی. فردی مثل گرایش به نظم و انضباط و گرایش به تسلط بر نفس که مالکیت نفس نامیده می‌شود و اجتماعی مانند گرایش به تعاون، کمک دیگران بودن، کار اجتماعی کردن، گرایش به احسان و نیکوکاری، فداکاری و گرایش به ایثار.

۳- **گرایش به جمال و زیبایی:** این گرایش چه به معنی زیبایی دوستی و چه به معنای زیبایی آفرینی که نامش هنر است به معنی مطلق وجود دارد و

هیچ‌کس از این جنس فارغ و خالی نیست.
۴- **گرایش به اخلاقیات و ابداع:** این گرایش برای انسان است که می‌خواهد خلق کند و بیافریند و چیزی را که نبوده است به وجود آورد.

۵- **عشق و پرستش:** مسأله عشق و پرستش با پرستش توأم می‌شود و بلکه هر عشقی که به مرحله عشق واقعی برسد (یعنی حساسات شهوات را بطیید جدا کرد) به مرحله پرستش می‌رسد. یعنی این دو در واقع از یکدیگر تفکیک پذیر نیستند.^{۲۹} از بررسی این قسمت از دیدگاه‌های شهید مطهری مشخص می‌شود که تنظیم و دسته‌بندی او از نیازهای بی‌شبهت به دیدگاه‌های مازلو و مک‌کلند نمی‌باشد با این تفاوت که در زمینه‌های روحی و احساسات، برجستگی‌های بیشتری را از نیازها و انگیزه‌ها نشان می‌دهد و تأکید بیشتری روی آنها دارد.

شهید مطهری در کتاب انسان و ایمان^{۳۰} موضوع انگیزش را به صورت دیگری مطرح می‌کند که شاید بتوان شکل تکامل یافته فوق دانست. از نظر او فعالیت‌های انسان دو گونه است که عبارتند از: التذادی تدبیری. می‌توان نوع سوم را نیز قائل شد که عبارت است از فعالیت تکمیلی (تدبیری - التذادی). فعالیت‌های التذادی همان فعالیت‌های ساده‌ای هستند که انسان تحت غریزه طبیعت عادت و فطرت انجام می‌دهد که برای رسیدن به یک لذت و یا فرار از رنج می‌باشد. بنابراین کسب

۲۹- شهید مطهری، مجموعه آثار، جلد ۳.

۳۰- شهید مطهری، انسان و ایمان، مقاله «مکتب، ایدئولوژی» انتشارات صدرا، ص ۴۸ تا ۶۴.

فراهم می‌گردد که منشأ این فعالیت‌ها ایمان می‌باشد مانند فعالیت‌های دینی که از راه تعقل و تفکر به حقانیت دین پی برده و با توجه به نیازهای فطری خود از آن، لذت توأم با رضایت برده و خود را در جهت کمال سوق می‌دهد و در جهت خلیفت... شدن پیش می‌رود و انگیزه‌های این بخش، روحی یا معنوی می‌باشد که در جدول زیر، فعالیت‌های انسان را در مقایسه با نفس، درجه انسان و منشأ فعالیت‌ها نمایش می‌دهد.^{۳۱}

۴- ناصر مکارم شیرازی^{۳۲}

آیت... مکارم شیرازی ضمن اینکه ایجاد انگیزه را مهم‌ترین و ظریف‌ترین وظایف مدیران می‌داند و آن را به تنهایی هم وزن با برنامه‌ریزی،

لذت برانگیزاننده میل است و انگیزه این‌گونه فعالیت‌ها را با توجه به اینکه با طبیعت انسان مرتبط است، طبیعی (مادی) می‌گوییم.

فعالیت‌های تدبیری، فعالیت‌هایی می‌باشند که ~~مربوط به امور دینی و اخلاقی است~~ بلکه مصلحت است که مصلحت، توسط عقل تعیین می‌گردد و مصلحت، برانگیزاننده اراده می‌باشد. انسان هر اندازه از ناحیه عقل و اراده تکامل یافته‌تر باشد، فعالیتش بیشتر، از التذادی به تدبیری سوق پیدا می‌کند.

فعالیت‌های تکمیلی (تدبیری التذادی) فعالیت‌هایی هستند که انسان از طریق تدبیر و تعقل با توجه به فطرت و نیازهای فطری انتخاب نموده و ضمن مصلحت بودن، موجبات لذت و رضایت وی

طبقه‌بندی بر حسب نفس، نیازها، فعالیت‌ها و انگیزه‌ها

انگیزه‌ها	فعالیت‌ها			نیازها	درجه نفس	درجه انسان
	نتیجه	از طریق	منشأ			
غریزی (طبیعی)	لذت در عالم مادی	هوی و هوس	خریزه و احساس	التذادی	مادی	حیوانی
غریزی عقلی	رضایت و لذت در عالم مادی	اراده	عقل و احساس	تدبیری	مادی عقلی	معمولی
روحی عقلی غریزی	رضایت و لذت در عالم مادی آخرت	اعتقاد و اراده	ایمان و عقل احساس	تکمیلی	مادی عقلی روحی	الهی

۳۱- حمید برهانی، مقاله چاپ نشده «اهداف مدیریت اسلامی و انگیزه‌های انسانی» (زیر نظر استاد راجه‌دکتر نجاسبی) دی ماه ۱۳۷۳، صفحه ۲۴.

۳۲- الف- آیت‌الله مکارم شیرازی، ویژگی‌های مدیریت اسلامی، ریشه‌ها- الگوها- انگیزه، چهارمین سمینار بین‌المللی مدیریت دولتی از دیدگاه اسلامی ۱۷ تا ۲۲ مرداد ۱۳۷۱، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
ب- آیت... مکارم شیرازی، فرماندهی در اسلام، فصل سوم، انتشارات هدف، ص ۷۰ تا ۷۵.

تصمیم‌گیری، سازماندهی و هماهنگی می‌داند، انگیزه‌ها را به سه نوع تقسیم می‌نماید:

الف- انگیزه‌های پنداری

در این نوع انگیزه مجموعه‌ای از پندارها، خیالات و شعارها برای رسیدن به هدف برگزیده می‌شود که در ابتدا ممکن است عامل حرکت جامعه گردد ولی در عمل چون این انگیزه نارسا بوده و به نتیجه نمی‌رسد به ناچار برای رسیدن به هدف به روش‌های دیکتاتوری متوسل می‌گردند. به نظر ایشان مصداق کاربرد این نوع انگیزه‌ها را در جامعه بت‌پرستی و کمونیستی می‌توان مشاهده کرد.

ب- انگیزه‌های مادی

انگیزه‌های مادی از آنجا که از یک واقعیت عینی مایه می‌گیرد اثری بیشتر و گسترده‌تر از انگیزه‌های پنداری دارد اما با این حال اثر آن عمیق نیست. به عنوان مثال کمتر فردی از نیروی نظامی حاضر می‌شود به خاطر حقوق و مزایا و یا ترفیع درجه جان خود را به خطر اندازد. به عبارت دیگر ایثار و فداکاری که هر مدیر یا فرمانده در مقابل حوادث مهم به آن نیاز دارد با انگیزه‌های مادی تأمین نمی‌شود و توجیه نمی‌گردد.

ج- انگیزه معنوی

انگیزه‌های معنوی از روح ایمان و خدا و یا از

ارزش‌های والای انسانی سرچشمه می‌گیرد و پشتوانه‌ای مثل معاد، زندگی جاویدان پس از مرگ در جوار رحمت الهی، بهشت جاویدان و لقاء... را دارد. این انگیزه دارای قوی‌ترین قدوت و عمیق‌ترین تأثیر است. البته بهره‌گیری از این انگیزه نباید به مفهوم نادیده گرفتن انگیزه‌های مادی باشد چرا که انسان از جسم و جان و از ماده و معنی ترکیب یافته است و روح خدایی در او دمیده شده است.

انبیای الهی از این انگیزه بیش از انگیزه‌های مادی بهره‌گرفتند و ذکر تشویق و تنبیه امت همراه با نعمت‌های بهشتی و عقوبت‌های جهنمی مربوط به این انگیزه می‌باشد. در قرآن کریم، متجاوز از ۱۲۰ مشتقات از انزال و متجاوز از ۴۰ بار مشتقات بشارت به کار رفته است.

آقای مکارم شیرازی متذکر می‌شود که انگیزه‌هایی کارساز است که دارای سه ویژگی باشند: اول دارای قدرت زیادی باشند به طوری که بتوانند با موانع مبارزه کرده و در مقابل آنها بایستند، دوم تداوم داشته باشند به طوری که در درازمدت دچار مستی و انهدام نگردند و سوم روح انسان را هنگام ناکامی‌ها و کمبودها سیراب کنند.

۵- محمدتقی جعفری ۳۳

علامه جعفری ابتدا در مورد انگیزش توضیحی

۳۳- الف- جعفری، محمدتقی، یک بحث بنیادین در ریشه‌های انگیزش برای فعالیت‌های مدیریت در جامعه اسلامی و نقد نظریه انگیزش در دوران معاصر مجله علمی کاربردی، مدیریت دولتی، دوره جدید، شماره نوزدهم، زمستان ۱۳۷۱، ویژه‌نامه ۱۹.

ب- جعفری، محمدتقی، جبر و اختیار، انتشارات ولی عصر، ص ۱۳ و ۱۸.

به شرح زیر می‌دهند:

«هر کاری که آگاهانه از یک انسان صادر کرده، نیازمند اشتیاق جدی برای وصول به هدفی است که بجز برای انسان دارای انگیزش نمی‌باشد».

در بیان عبارت فوق پنج موضوع را یادآور می‌شود: نخست اینکه برای ایجاد انگیزه بایستی عناصر روانی و غرایب طبیعی سالم و اعتدال هماهنگی در فرد وجود داشته باشد. دوم اینکه کار آگاهانه و آزادانه و از روی اختیار باشد نه با جبر و از روی اجراه، تا بحث انگیزه قابل طرح باشد. سوم اینکه شدت و ضعف اراده و تصمیم برای وصول به هدف، تابعی از شدت و ضعف انگیزش آن هدف می‌باشد. چهارم اینکه پس از درک و دریافت هدف انگیزش آن و به وجود آمدن اراده و تصمیم برای وصول به هدف، اقدام به کار شروع می‌گردد پنجم و در نهایت وصول انسان به هدف است که همان نتیجه مورد نظر می‌باشد.

آقای جعفری در ادامه این بحث، دو موضوع دیگر را مورد بررسی قرار می‌دهد که یکی «ملاک ضرورت و ارزش انگیزه‌ها» و دیگری «انواع انگیزش» است که به اختصار به بیان آنها می‌پردازیم.

ملاک ضرورت و ارزش انگیزه‌ها

علامه جعفری نیازهای اساسی را سه بعد اساسی مبتنی بر «صیانت ذات» به صورت زیر مطرح

می‌کند:

۱- صیانت ذات در بعد روانی و حیات طبیعی محض، مانند نیاز به غذا، مسکن، بهداشت، تولید مثل و دفاع از هر گونه عامل انحلال در امر حیات.

۲- صیانت ذات در بعد روانی و شخصیتی مثل آرامش روانی، تنظیم ارتباط بین عوامل برون ذاتی و درون ذاتی، حفظ وحدت و هماهنگی عناصر تشکیل دهنده شخصیت و...

۳- صیانت ذات در بعد تکاملی شخصیت مانند آنچه که مذاهب الهی و مکاتب اخلاقی آنها برای انسان مطرح کنند و در گذرگاه تکامل به ثمر رسانند.

انواع انگیزش

علامه جعفری انواع انگیزش را که می‌توانند در فعالیت‌های مدیریت تأثیر داشته باشند به دو دسته کلی به شرح زیر تقسیم می‌کنند:

الف- انگیزه‌های برون ذاتی

انگیزه‌های برون ذاتی عوامل محیطی و اجتماعی است که می‌توانند عوامل برون ذاتی متغیر باشند و شب و روز توسط حواس اعضا با درون ذات تماس می‌گیرند مانند رنگ‌های مختلف، اشکال و صداهای گوناگون، بوها و طعم‌ها و امثال آن و یا عوامل برون ذاتی ثابت باشند، مانند آب و هوا، وضع جغرافیایی محل زندگی و آداب و رسوم که نوعی هماهنگی میان روح انسان و این عوامل برقرار می‌شود و اثرات آن در حرکات انسانی نمودار می‌گردد. از آنجا که انسان در تنظیم این

شده است. اولین تخصص و فعالیت تدریجی موجب بروز میل و اشتیاق گردیده است.

ع- انگیزش مربوط به احساس تکلیف ناشی از تعهد برین

انسانی؛ این انگیزه در داخل منطقه ارزش‌ها قرار می‌گیرد، افراد دارای این انگیزه با توجه به شیافت

و کرامت ذاتی انسان به فعالیت می‌پردازند، از

سطح سوداگری می‌گذرند و به کمال جویبارتقا

پیدا می‌کنند. این انگیزش همان انگیزش اصلی

است که بسیار بالاتر از پدیده‌های خوشایند سطحی

و زودگذر است و اگر در جامعه‌ای به فعالیت تبدیلند،

قطعی است که آن جامعه از آزادی‌های واقعی (نه

تیلیغاتی و ادعایی) برخوردار می‌شود و راه خود را

به سوی تمدن انسانی و حقیقی هموار می‌کند حتی

اگر از نظر چشرفلت مادی دورمراحل پایین باشد.

۱- انگیزش ناشی از احساس تکلیف الهی. اولین

انگیزش بالاترین و شیرین‌ترین هدف‌ها و

انگیزه‌هایی است که در باور مبدعین معنی‌شده می‌شوند

تصور نمودن همان انگیزه‌ای است که پیامبران

الهی و اوصیای راستین آنها را به تنظیم و توجیه

حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها وادار نموده است.

علامه جعفری در کتاب (الآخرینش و انسان)

انواع لذت‌ها را که در نتیجه ارضای نیازهای انسان

حاصل می‌گردد، به دو دسته طبقه‌بندی نموده است

که عبارتند از:

۱- لذایذ و آلام جسمی (مادی)

۲- لذایذ و آلام روحی (معنوی)

اصول لذایذ مادی شامل لذایذ مستقیم

مثل لذت خوردن، آشامیدن، پوشیدن و لذایذ مادی

غیر مستقیم مثل لذت مهارت، جلب محبت، تسلط

عوامل اختیار ندارد و یا اختیار کمی دارد، می‌توان آنها را عوامل جبری یا شبه جبری نامید.

ب- انگیزه‌های درون ذاتی

علامه جعفری هفت نوع انگیزه درون ذاتی را بیان می‌کند که خلاصه آنها به شرح زیر است:

۱- احساس برتری خود بر دیگران، که چنانچه واقعیت

داشته باشد و بر اساس آن مسئولیت بپذیرد، در

منطقه انگیزش ارزشی واقع می‌شود، در غیر

این صورت در منطقه انگیزش قویار نخواهد گرفت.

۲- انگیزش ناشی از خودخواهی و خودخواهی، که در

منطقه ارزش‌ها نیست بلکه می‌تواند در منطقه

ضد ارزش‌ها باشد.

۳- انگیزش ناشی از منفعت خواهی، به نحوی که

فعالیت او مربوط به سود و درآمد است و

فراگیرترین انگیزش در دنیای غربیه به حساب

می‌آید.

۴- انگیزه علاقه ذاتی به مدیریت، همان‌طور که هر

فرد به شغلی علاقه مند است ممکن است فردی هم

به مدیریت علاقه مند باشد و به قول مولوی:

همچنانکه سهل شد ما را حضر

سهل شود هم قوم دیگر باسفر

آنچنانکه عاشقی بر سروری

عاشق است آن خواجه بر آهنگری

هر کسی را بهر کاری ساختند

حب آن را در دلش انداختند

۵- انگیزش ناشی از تخصص و تجربه، تفاوت این

انگیزش با انگیزش شماره ۴ این است که در آن

علاقه و اشتیاق ذاتی موجب فعالیت و تخصص

جانبداری، گرایش قلب است و تا دل مردم از نظام راضی نباشد در تحکیم مبانی آن نمی‌کوشد. لذا برای ایجاد انگیزش باید تفاهم و اعتماد ایجاد نمود.

۳- قلب جامعه در اختیار احدی جز خدای سبحان نیست و انگیزش تألیف قلوب بدارشادات توحیدی است.

۴- معیار گرایش دل‌های مردم به یک نظام حکومتی، ایمان و عمل صالح مسئولان نه تنها انجام وظایف فردی آنهاست بلکه امثال همه دستورات اجتماعی آنان نیز خواهد بود، یعنی با عامل بودن به قانون می‌توان در دیگران انگیزه ایجاد کرد.^{۳۵}

۷- مصباح یزدی

استاد مصباح یزدی انگیزه‌ها را نشأت گرفته از سه دسته نیاز می‌داند:

دسته اول نیازهای فیزیولوژیکی و دسته دوم نیازهای معنوی و متعالی است اما دسته سوم که شاید در نوشته‌های دیگران نیامده است، نیازهایی است که تحت عنوان «انگیزه‌های انحرافی از فطرت الهی» نامیده شده است.^{۳۶}

او گروه اول یعنی نیازهای فیزیولوژیکی را مثل نیاز به تغذیه، نیاز به همسر و گروه دوم یعنی

بر دیگران و لذت تفریح آرامش فکری و لذت آزادی می‌باشد. اصولاً لذایذ روحی مثل انجام تکلیفیه است و تقرب به ذات احدیت.

به طوری که ملاحظه می‌شود علامه جعفری سعی کرده است تمامی زوایای پوشیده در انگیزه‌های افراد را در نظر بگیرد که در آثار سایر علما کمتر مشاهده می‌شود. انگیزش‌های مورد اشاره ایشان، طیف وسیع مردم از پایین‌ترین اقشار تا متخصصان و از منفعت‌طلبان تا متعالی‌ترین آنها را در برمی‌گیرد.

۸- جوادی آملی

استاد جوادی آملی در بیان انگیزش در مدیریت اسلامی و در سطح حکومت اسلامی از تجزیهات حاصل از دو دهه حکومت جمهوری اسلامی بحث کرده و ایجاد انگیزش را تعادل حکومت و مردم را مورد توجه قرار می‌دهد. مؤلفه‌های پنجگانه زیر در رابطه با انگیزش پیروی است که در مطالب خود بر شمرده است.^{۳۷}

۱- نظامی پایدار خواهد بود که از حمایت همه جانبه مردم برخوردار باشد و لذا برای ایجاد انگیزش باید حمایت مردم را جلب کرد.

۲- حمایت مردم که ذخیره معنوی حکومت است بدون کشش درونی میسر نیست، زیرا اساس

۳۴- استاد جوادی آملی، اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی، مقدمه.

۳۵- مقاله چاپ نشده «تجزیه و تحلیل دیدگاه متأخرین از بزرگان اسلامی درباره انگیزش» دانشجوی دکتری مدیریت واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.

۳۶- استاد مصباح یزدی، فصلنامه معرفت، شماره چهارم، مباحث اخلاق و عرفان اسلامی.

نیازهای معنوی را مثل نیاز به عواطف متقابل اجتماعی، نیاز به ابراز شخصیت و سایر غرایز و بالاخره نوعی نیاز نهفته و ناآگاهانه در اعماق روح انسان می‌داند که در برخی افراد خودبه‌خود و در برخی دیگر با تلاش و کوشش به سرحد آگاهی می‌رسد. این نیاز آخر، شریف‌ترین و با ارزش‌ترین عاملی است که در وجود انسان می‌باشد و او را به سوی عالی‌ترین گمناک سوق می‌دهد. این انگیزه یا تمایل را اجمالاً تمایل عرفانی یا به تعبیر ساده حسن مذهبی می‌نامیم. هدف انبیا و رهبران دینی فراهم کردن مقدمات وصول هر چه بیشتر به این تمایل و انگیزه بوده است.^{۳۷}

دسته سوم از نیازها همان‌طور که گفته شد، تحت عنوان انگیزه‌های انحرافی از فطرت الهی است که در مقابل نیازهای دسته دوم قرار می‌گیرد. ایشان در این زمینه چنین می‌گویند:

«عوامل و انگیزه‌های انحرافی از عرفان و فطرت الهی نیز وجود دارند که به اقسام متعددی تقسیم می‌شوند. همه اینها در دو انگیزه خلاصه می‌شود: جاه طلبی و مال و ثروت دوستی.

این انگیزه پست در کسانی وجود داشت که در اوج ثامت و پستی بوده‌اند. انگیزه بلاتوی که برای ایجاد فرقه‌های انحرافی یا اختلاف در دین وجود داشته است، حب ریاست و جاه و مقام بوده است (آخر ما یخرج عن قلوب الصدیقین حب الجاه). اینان

به آسانی می‌توانند تا حدی از خواسته‌های حیوانی خود صرف نظر کنند. بسیاری از افراد هستند که خواسته‌های حیوانی‌شان را تعطیل می‌کنند و از شهوات حیوانی آن اندازه که خلاف شرع است، پرهیز می‌کنند. این کار چندان مشکل نیست. اما درباره انگیزه مال و ثروت اندوختی، وقتی که انسان همن می‌شود، تمایلات شهوانی خودبه‌خود رو به افول رفته و ضعیف می‌شود، ولی میل به ثروت اندوختی قبلی است که ممکن است تا آخر عمر با کمال قدرت در انسان باقی بماند. حرص جمع مال، جنونی است که در بعضی افراد دیده می‌شود و تا لحظات آخر هم دست از آیمان بر نمی‌دارد ولی کسانی نیز موفق می‌شوند که به مال و ثروت دنیا پشت پا بزنند و از قید و بند علاقه به مال و ثروت آزاد شوند. اما کمتر کسی است که موفق به آزادی از قید حب جاه و مقام شود.

علاقه به شهرت، محبوبیت و مقام و منزلت دنیوی، علاقه‌ای است که در اعماق دل انسان ریشه می‌دواند و قطع این علاقه از مشکل‌ترین کارهایی است که در مسیر تزکیه و تهذیب اخلاق قرار دارد و آخرین چیزی است که از دل‌های صدیقین بیرون می‌رود.^{۳۸}

۸- فواد عبدا... عمر ۳۹

آقای فواد عبدا... عمر محقق است که در اسلام

۳۷- همان‌جا.

۳۸- استناد مصباح یزدی، فصلنامه معرفت، شماره ۹، مباحث اخلاق و عرفان اسلامی.

۳۹- فواد عبدا... عمر، انگیزش از دیدگاه اسلام و فقه و نظریات انگیزش معاصر با استفاده از یک مدل انگیزشی که در سازمان مورد استفاده است، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چهارمین سمینار بین‌المللی مدیریت دولتی از دیدگاه اسلامی، ۱۷ تا ۲۱ مرداد ماه ۱۳۷۱.

از فقهاست که برای نیت و عمل به آفرینش خیر و شر جدا گانه قایل می شوند. او در این مورد می گوید:

نیت به نظر بسیاری از فقها همان انگیزه و اثر نظر علمای علم کلام اراده همزمان یا فعل است. نیت در مفهوم عام از ژرفای قلب به گونه ای خاص از هر فشار و اکراه و به دور از توره و تقیه سرچشمه می گیرد، بدانسان که مجموع عمل برانگیخته شدن از آن، مقصود عامل و مورد رضا و عزم او از آغاز بوده باشد. همانگونه که در شرع مقیم آمده (انما الاعمال بالنیات ولا عمل بلا نیت) یعنی عمل بسته به نیت است و عمل بدون نیت وجود ندارد. نیت می تواند وضعیت های مختلفی را نسبت به عمل داشته باشد که عبارتند از:

۱- نیت خیر و عمل هم بر اساس این نیت خیر است مثل کسی که مدرسه ای را به خاطر خدا می سازد.

۲- عمل و نیت در شر بودن سازگار است (پاسخ کلی بقوله است).

۳- عمل، خیر و نیت شر است.

۴- عمل شر و نیت خیر است.

۵- عمل عادی بوده و خیر و شر جلال و حرام تلقی نمی گردد.

۱۰- علی اکبر بخشی

ایشان به جای خود انگیزش، سخن از رفع بی انگیزگی گفته و برای ایجاد انگیزه تلاش کرده است. او می گوید: بایستی علل عدم انگیزش را شناسایی کرده و روش های مناسب برای مقابله با

نظریه و رویه های در مورد انگیزش نیامده است. تا بتوان پیرامون آن تحقیق کرد ولی می توان گفت که در این باره کوشش های بسیاری به عمل آمده و راهنمایی ها و ارشادات کلی در شناخت اصول و مبانی انگیزش در قرآن کریم و سنت نبوی آمده است که این ارشادات در زیر خلاصه می شود:

۱- انگیزش در اسلام بر سه اصل ثواب، عقاب و محبت مستند است.

۲- محدوده انگیزش ها در اسلام تنها شامل حقوق و کمک های مالی یا تعقیب کفتری در زندگی دنیا نیست بلکه شامل ثواب و عقاب در زندگی آخرت نیز خواهد بود.

۳- پرداخت حقوق و مقرری در اسلام بایستی مطابق با اصول معنوی باشد.

۴- در اسلام حقوق و مقرری و دستمزد و پاداش، بلافاصله و همزمان با انجام کار پرداخت می شود.

سایر شخصیت های معاصر

از شخصیت های دیگر که در مورد انگیزش مطالبی را بیان کرده اند و موارد جدیدی در گفته های آنها مشاهده می شود می توان از آقایان محمد جواد مغنیه، علی اکبر بخشی و دکتر سید ابوالقاسم حسینی نام برد که دوزیر به اختصار مطالب آنها توضیح داده می شود.

۹- محمد جواد مغنیه

ایشان بیان می کند مستند به آرای تعدد

آن به کار گرفته شود. برای به حرکت درآوردن
 بخیزه دو راه وجود دارد یکی شتابانی علل
 انگیزه و وضع آنها و دیگری ایجاد انگیزه در فرآیند
 مورد علاقه. نداشتن انگیزه منتهی به ضعف در بیانهای
 ارزشی، تربیتی، سطح آگاهی، عقیدتی و فرهنگی
 خود و ایجاد محیط مناسب ندارد. در مورد دوم، سه
 نوع روش پیشنهاد می‌گردد: ۱- روش مستقیم و
 غیرمستقیم هاینکه جمله فریادش دانشمندان و
 کارکنان و تأثیر در سیستم شناخت آنها، انگیزه
 خوب کار کردن را ایجاد می‌کند. ۲- روش
 مستقیم هاینکه در آنها به طور مستقیم رفتار و
 عملکرد شخصی در جهت تأثیر قرار داده می‌شود تا
 ایجاد انگیزه نماید. ۳- روش غیرمستقیم
 هاینکه در آنها به انگیزش مدیران و
 کارکنان می‌پردازد که آنها متکی به دانش بشری
 در زمینه روانشناسی است و ممکن است با فطرت
 آدمی سازگار باشد و در اعمالی است که با توجه
 به خصلت انسانی اسلام مطرح می‌گردد. ۴- روش
 غیرمستقیم هاینکه عامل انگیزه را در سازمان کارکنان
 بر دوش می‌کند و اظهار می‌دارد که سهوی در جهت عدم
 انگیزه در عملکرد نامطلوب کارکنان و مسئولان به
 مراتب بیشتر با هم دیگر عوامل فزونی، مدیریت،
 سازمانی، خصلتی و محیطی است. برای جلوگیری
 از مشکل هر عامل نهایی به نام «فشار انگیزه» می‌گویند
 می‌تواند که همان انگیزه ایجاد جوی به عنوان

بالا ترین و قوی ترین انگیزه منتهی به آنها انگیزه
 اشتیاق منتهی و تغییر ناپذیر است. او بر نهایی است
 این نتیجه می‌رسد که با بدست آوردن این مسائل
 انگیزش و رفتار انسان، کلیه تولید محصولات و روش
 تکنیک‌های پیشنهادی علوم رفتاری، جرم‌شناسی
 ایجاد انگیزه را بنا بر استراتژی مفصلی خود یعنی
 خدای عز و جل بر روی این کنیم. ۲۲

۱- دکتر سید ابوالقاسم حسینی
 ایشان نیز پس از بیان مفصلی دو باب انگیزش و
 تعریف انگیزش و خصایص آن را با استناد به آیات
 و احادیث طبقه بندی کرده و اثر نهایی بر
 عالی ترین انگیزه یعنی احساس همزیستی در مقابل
 خداوند تأکید داشته‌اند. او معتقد است که انگیزه
 رفتار ادوی همان نیت است و ارزش هر کار
 وابسته به نیت و انگیزه آن است. در اهمیت انگیزه
 و نیت به نقل از امام صادق (ع) می‌گوید که نیت از
 عمل بهتر است و اصل نیت عمل است. ۲۳ و به
 استناد آیه ۸۴ سوره انبیاء هر کس بر خلق نیت
 خود عمل می‌کند. ۲۴
 در تفسیر دکتر حسینی دو نوع کار را می‌توان در انسان به
 نام فطرت و شهوت نام می‌برد که این آنها همواره
 جنگجو و مقابله وجود دارد و تا اینکه همواره
 می‌یابد. فطرت همواره به سوی سقوط می‌رود
 ایشان شهوت را معادل نفس اماره و قرآن می‌داند

۲۱- سید ابوالقاسم حسینی، همان‌جا، شماره ۱۷، ص ۲۲
 ۲۲- همان‌جا، ص ۲۲
 ۲۳- همان‌جا، ص ۲۲
 ۲۴- دکتر سید ابوالقاسم حسینی، روان‌شناسی اسلامی، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۶۳، ص ۲۲

می‌داند و معتقد است که شهوت انگیزه ذاتی رفتار انسان و حیوان است و این انگیزه پیوسته دو معرض محرک‌های شهوانی است که می‌خواهد بر جریان فطرت و عقل موکلی غلبه کند. او به تعبیر از شهید مطهری می‌گوید: فطرت ملقده غریب در محدوده آموز مادی هستند اما امور فطری و انسانی و ماورای حیوانی می‌باشند و در واقع فطرت نفس مطمئنه است. او در نهایت می‌گوید: ۲۵.

«برای انسان موحد تنها یک محرک و انگیزه برای رفتار او وجود دارد و آن احساس مسئولیت در مقابل خداوند و انجام تکلیف فقط برای رضایت او می‌باشد و هر عملی که جز با این هدف انجام شود، مردوده و فرد با انجام آن دچار خسارت می‌شود».

نتیجه‌گیری

انگیزش یکی از عوامل مهمی است که در موفقیت یا عدم موفقیت مدیریت نقش مهمی به عهده دارد. انگیزش هر تملی یکاتب مدیریت مورد توجه قرار گرفته است و دانشمندان مختلفی روی آن بحث و پژوهش کرده‌اند. نظای مکاتب مدیریت هر خوب انگیزش را بیشتر در مادی و روان‌شناسی آن تجزیه و تحلیل کرده‌اند و عواملی چون حقوق و دستمزد و به‌طور کلی نیازهای مادی بشر، جایگاه اجتماعی و شخصیت فرد و به‌طور کلی نیازهای روان‌شناسی و اجتماعی فره را تجزیه و تحلیل کرده‌اند. در ایجاد معنوی

نیهای غرب تا حدودی که هنوز به عملکرد معقول و احترام به خواسته‌های مذهبی افراد می‌باشد، توجه دارند اما از آن به عنوان یک عامل اسلامی برای در ایجاد انگیزش استفاده نکرده‌اند و اعتقادی در این حد ندارند.

در مدیریت اسلامی به کلیه عواملی که دانشمندان غرب مورد عنایت قرار داده‌اند و شامل جنبه‌های مادی حیاتی انسان است توجه شده و آیات و روایات زیادی در این مورد وارد شده است که چارچوب زندگی انسان را در نیازهای مادی ترسیم می‌کند، اما فراتر از عوامل مادی عامل معنوی را در سطح وسیع و به‌عنوان یک عامل مؤثر که اثر آن بسیار عمیق و تعیین کننده است، به حساب می‌آورند. طبیعت است هوای انسان و اعتقاد افراد یک جامعه که تعیین کننده رفتار آن جامعه به‌ویژه بیشتر می‌تواند از این عامل برای انگیزش در مدیریت نظام به‌ویژه داوی کند. در جامعه اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی تکلیف شرعی که نقطه اوج انگیزش معنی می‌باشد در تصمیم‌گیری و حضور در صحنه‌های اجتماعی همواره تا امروز یکی عامل تعیین کننده بوده است و کلیه عوامل دیگر را در بسیاری از مراحل مهم اقتصادی تحت‌الشعاع قرار داده است. استفاده به‌موقع و درست از این عامل مهم معنوی می‌تواند جامعه اسلامی ما را در خدمت به همه ارگانها و نهادهای این جامعه یاری کند و موفقیت برنامه‌ها را تا میزان زیادی افزایش دهد. ترکیب انگیزه‌های

۲۵- دکتر سید ابوالقاسم حسینی، روان‌شناسی اسلامی، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۶۳.

احادیث که توسط علمای اسلامی به خصوص متأخرین مطرح شده، خودداری گردیده است. امید است محققانی که در ادامه تحقیق روی این موضوع کار می‌کنند، هر یک از موارد مطرح شده در این مقاله را مورد توجه خاص و تعمیق بیشتر قرار دهند و به ذکر آیات و روایات مربوط به آن نیز بپردازند.

مادی و معنوی در مدیریت اسلامی تأمین کننده انگیزه‌ها در حد مطلوب برای زندگی فردی و اجتماعی بوده و می‌تواند قدرت انسان و جامعه را تا استفاده و بهره‌برداری بهینه از تمام استعدادهای نهفته بشری افزایش دهد.
در این مقاله به منظور اختصار از ذکر آیات و

منابع و مأخذ

- ۱- دکتر عبده... جاسی، اصول و مبانی مدیریت، از انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ هشتم، صفحات ۲۲۱ تا ۲۲۵.
- ۲- فواد عبده... عمر، انگیزش از دیدگاه اسلام و فقه نظریات انگیزش معاصر با استفاده از یک مدل انگیزشی که در پلازمان مورد استفاده است، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چهارمین سمینار بین‌المللی مدیریت دولتی از دیدگاه اسلامی، ۱۷ تا ۲۲ مرداد ماه ۱۳۷۱.
- ۳- محمدابین ابراهیم صدرالدین شیرازی، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، ستاد انقلاب فرهنگی، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۴- دکتر سید جعفری بیجاوی، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، جلد اول، صفحه ۸۰ و جلد سوم صفحه ۵۵۰.
- ۵- شیخ الرئیس حسین بن عبده... بن سینا، روان‌شناسی شفا، ترجمه از عربی به فارسی توسط اکبر داناسرشت، انتشارات امیرکبیر، صفحه ۲۰۱.
- ۶- امام محمد خراسانی، کیمیای سعادت، تصحیح احمد آرام، کتابفروشی مرکزی، صفحه ۲۳، ۴۵۲، ۴۳.
- ۷- دکتر سیدمهر القاسم حسینی، بررسی مقلدانی اصول روانشناسی اسلامی، جلد اول، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی، صفحه ۵۱۴ و ۵۱۸.
- ۸- محمدبن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، ستاد انقلاب فرهنگی، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۱۸۸ و ۱۸۹.
- ۹- دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، فلسفه بهروردی، انتشارات حکمت، مجموعه آشنایی با فلسفه اسلامی، صفحات ۶۱۳ تا ۶۱۴.
- ۱۰- امام خمینی (ره)، «طلب و براد»، ترجمه سید احمد فخری، چاپ مؤسسه علمی و فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، سال ۱۳۶۲.
- ۱۱- اصول فلسفه و روش رئالیسم، نگارش علامه سیدمحمدحسین طباطبائی با مقدمه و بازوی شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵، جلد ۲، صفحات ۲۲۷ تا ۲۳۰ و جلد ۳، صفحات ۱۸۱ تا ۱۹۰.

۱۲- بررسی ایجاد انگیزه از دیدگاه ارزشی اسلام، دفتر بررسی ارزش های حاکم بر نظام اداری سازمان امور اداری و استخدامی کشور، ۱۳۷۲، ش ۸ ص ۱۷.

۱۳- شهید مطهری، مجموعه آثار، جلد ۳ ص ۴۸۳.

۱۴- شهید مطهری، انسان و ایمان، مقاله «مکتب ایدئولوژی» انتشارات صدرا.

۱۵- حمید برهانی، مقاله چاپ نشده «اهداف مدیریت اسلامی و انگیزه های انسانی» زیر نظر استاد راهنما دکتر جاسبی، دی ماه ۱۳۷۳، ص ۴۲.

۱۶- آیت... مکارم شیرازی، فرماندهی در اسلام، فصل سوم، انتشارات هدف، ص ۵۷۰-۷۵.

۱۷- آیت... مکارم شیرازی، ویژگی های مدیریت اسلامی، ریشه ها- الگوها- انگیزه، چهارمین سمینار بین المللی مدیریت دولتی از دیدگاه اسلامی، ۱۷ تا ۲۲ مرداد ۱۳۷۱، مرکز آموزش مدیریت دولتی.

۱۸- جعفری، محمد تقی، یک بحث بنیادین در ریشه های انگیزش برای فعالیت های مدیریت در جامعه اسلامی و نقد نظریه انگیزش در دوران معاصر، مجله علمی کاربردی، مدیریت دولتی، دوره جدید، شماره نوزدهم، زمستان ۱۳۷۱، ویژه نامه ۱۹.

۱۹- جعفری، محمد تقی، جبر و اختیار، انتشارات ولی عصر، ص ۱۳ و ۱۸.

۲۰- استاد جوانی آملی، اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی، مقدمه.

۲۱- مقاله چاپ نشده «تجزیه و تحلیل دیدگاه متأخرین از بزرگان اسلامی درباره انگیزش» دانشجوی دکتری مدیریت واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.

۲۲- استاد مصباح یزدی، فصلنامه معرفت، شماره چهارم، مباحث اخلاقی و عرفانی اسلامی.

۲۳- استاد مصباح یزدی، فصلنامه معرفت، شماره ۹، مباحث اخلاقی و عرفانی اسلامی.

۲۴- فواد عبد... عمر، انگیزش از دیدگاه اسلام و فقه و نظریات انگیزش معاصر با استفاده از یک مدل انگیزشی که در سازمان مورد استفاده است، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چهارمین سمینار بین المللی مدیریت دولتی از دیدگاه اسلامی، ۱۷ تا ۲۲ مرداد ماه ۱۳۷۱.

۲۵- حجت الاسلام محمدجواد مقنی، فلسفه اخلاقی از دیدگاه اسلام، دفتر نشر کوکب، صفحه ۱۲۶.

۲۶- حجت الاسلام علی اکبر محشمی، فصلنامه معرفت، شماره ۱۷، صفحه ۳۴.

۲۷- گل یعلی باکته

۲۸- دکتر سید ابوالقاسم حسینی، روان شناسی اسلامی، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۶۴.

ضمیمه شماره ۱

قوای نفس از نظر کندی

قوای حاسه حواس پنجگانه - قدرت ترکیب ندارد - در همه حیوانات مشترک است. با حضور ماده معنا دارد

مصوره بدون حضور ماده

حافظه

غضبیه - بازدارنده

ظنیه

شهوویه - ترغیب کننده

غاذیه

نامیه

قوای متوسطه

درک کردن علت

و معلول، ایجاب و سلب

عقل بالقوه

عقل بالفعل

عقلی که در نفس از قوه به سوی فعل می رود

عقل ظاهر

قوة عاقله

ضمیمه شماره ۲

نظریات فارابی درباره قوای نفس

غذایه ← بقا مریه ← تربیت و کمال مولده ← بقای نوع	}	قوه منمیه = نمو - مشترک بین نبات و حیوان و انسان
--	---	--

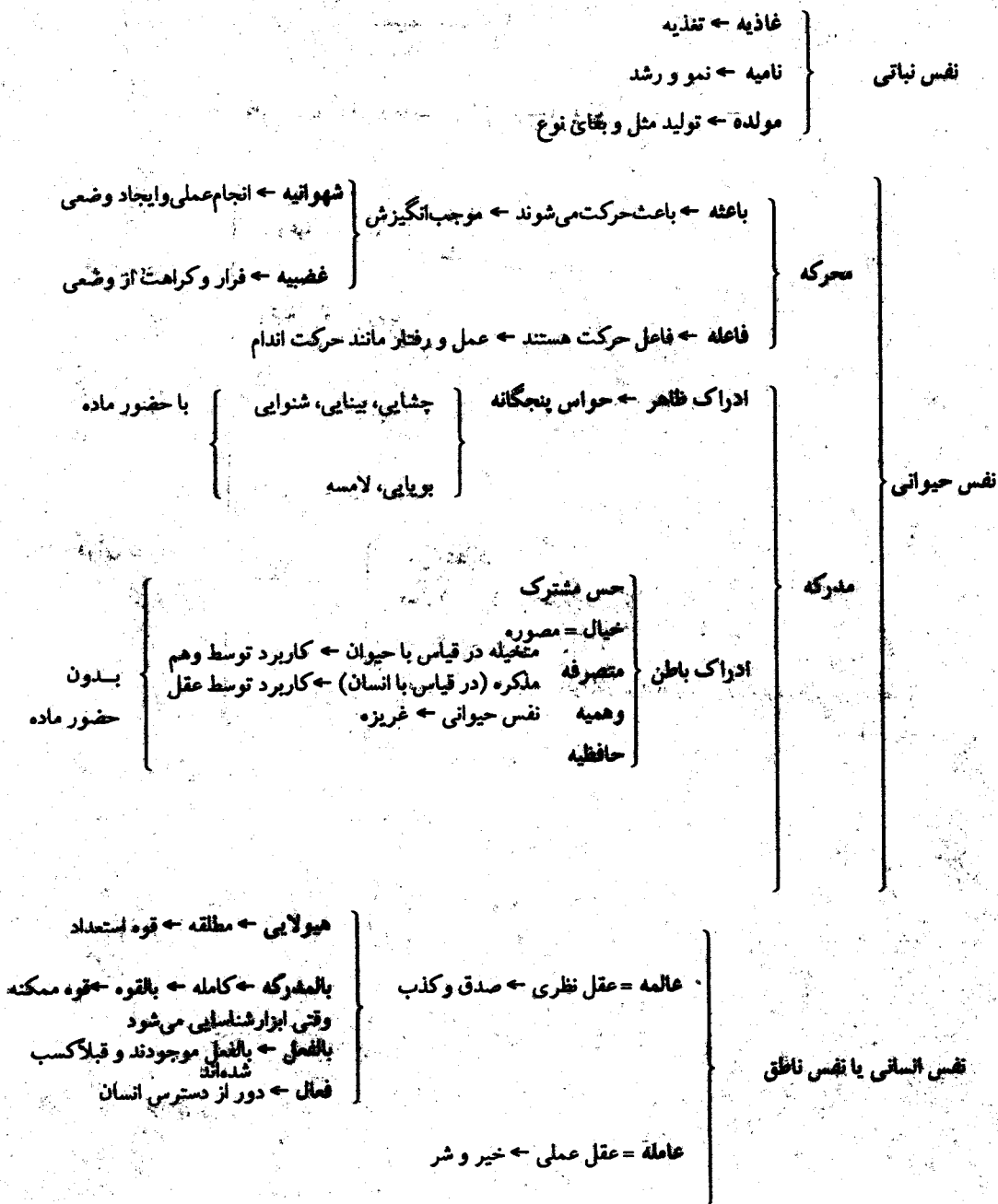
موجب انگیزش انسان هستند به طلب یا گریز / اشتیاق یا گریخت / نزدیکی یا دوری اراده از این قوا سرچشمه می‌گیرد اراده و میل و اشتیاق منوط به ادراک است چه از راه حسی، چه تخیلی، چه تعقل	}	قوه محرکه = نزوعیه = شرقیه شهویه غضبیه
---	---	--

قوای حساسه ← حواس پنجگانه قوه متخیله ← قابلیت ترکیب - در خواب و بیداری عمل می‌کند (قوه متفکره) قوه واهمه ← احساس غیر محسوس - مانند ترس گوسفند از گرگ قوه حافظه ← حفظ سپرده‌های قوه واهمه	}	قوای مدرکه
---	---	------------

ادراک معقولات - فرق میان زشت و زیبا - ساختن (صناعت)	}	قوه ناطقه = عقل نظری عملی
---	---	---------------------------------

ضمیمه شماره ۳

نظریات ابن سینا در مورد قوای نفس



ضمیمه شماره ۴

نظریات امام محمد غزالی درباره نفس

